

معمای بزرگ «شیمیائی»

<http://www.fondsk.ru/news/2013/08/23/bolshaja-himicheskaja-misteria-22336.html>

۵ سنبله ۱۳۹۲

با کارت کاربرد اسلحه شیمیائی (گویا) توسط رژیم کشوری که قرار است بزور ساقط شود، غرب اولین بار نیست که بازی میکند. زمانی دروغ بزرگ در باره وجود «تسلیحات شیمیائی صدام حسین» نیز بهانه ای برای حمله به عراق گردید. به همین ترتیب نیز گزارشها در مورد کاربرد گاز «زارین» توسط سوریه در رسانه های غربی از چند ماه پیش انتشار یافت.

سند استفاده از تسلیحات شیمیائی بطور کلی وجود نداشته، که نیازمند بررسی جدی باشد. موارد اتفاقی، که تحقیقات در باره آنها بواسطه کارشناسان روسیه و کمیسیون مستقل سازمان ملل متحد بریاست کارله دل پونته بعمل آمد، ثابت کرد، که صحبت از استفاده از آن توسط «باندهای مظنون مشخص» در میان بوده است. از سوی آنها چنین تاکتیکی مفهوم دوگانه دارد: سعی میکنند اولاً، از دست دادن ابتکار جنگی را با بهانه کاربرد تسلیحات شیمیائی توجیه نمایند و ثانیاً، برای تجاوز نظامی به سوریه زیر پرچم ناتو، «بمب تبلیغاتی» بدست قدرتهای ضد سوری بدهند.

شمار قربانیان کاربرد گاز «زارین» تا زمانهای اخیر در سوریه از چند ده نفر تجاوز نمیکرد، و باراک اوباما مجبور شد زحمات بسیاری را برای متقاعد کردن آمریکائیهها به اینکه بشار اسد «از خط قرمز عبور کرده» تحمل نماید. اما سخن از دهان پرید. فقط باید منتظر زمانی بود که باندهای شورشی «خوراک» تبلیغاتی فراوان تر به جلو سازمانگران جنگ اطلاعاتی بیاندازند.

به این ترتیب، کانال تلویزیونی «العربییه» خبر مربوط به «استفاده گسترده دولت سوریه از سلاح شیمیائی و کشتار شمار زیادی انسان در اثر آن را» در تاریخ ۲۱ اوت پخش کرد. بلافاصله تعداد آنها ۱۴۰۰ نفر اعلام شد و مقامات کشورهای ناتو بیدرنگ در این باره اظهار نظر کردند، که دولت سوریه شهروندان خود را وحشیانه به قتل میرساند. اما «بمبهای تبلیغاتی» خیلی آسان تهیه نمی شود، و آنها اغلب بطوریکه سازندگان آنها فکر میکنند، منفجر نمیشوند. بمب، بلافاصله از ۲۱ اوت به تکه-تکه شدن شروع کرد...

در این مسئله، که تحریکات نوبتی شروع شده، شکی نیست. هیچ دولت عاقلی همزمان با ورود بارزسان برای بررسی احتمال استفاده از تسلیحات شیمیایی به کشور، از سلاح شیمیایی بر علیه مردم خودش استفاده نمیکند. کاربرد این سلاح در چنین موقعی فقط برای دشمنان دولت لازم است.

و در این واقعیت هم، که ۱۴۰۰ نفر کشته نشده، تردیدی وجود ندارد. اما در مورد اینکه آیا تلفات انسانی پیامد چنین تحریکاتی بوده، با چه سلاحی و چگونه آنها کشته شدند، ما نمیتوانیم بلافاصله مطلع شویم.

فعلا توجه خود را روی داده های زیر متمرکز میکنیم:

۱- هر چند چنین اقدام تروریستی قابل قیاس با حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیویورک می بایست با فیلمهای ویدئویی و تصاویر زیادی همراه باشد، اما مجموعا چند سوژه در باره «قربانیان» انفجار در اینترنت انتشار یافت. با اینکه روزها میگذرد، ولی هیچ سند آماتوری یا حرفه ای به آنها اضافه نشده است. عصر روز حادثه ویدئو یا عکس جدید بازگذاری نشد و از روز دوم بطور کلی متوقف گردید. جهان حتی بخش کوچک «این فاجعه دهشتناک» را هم ندید. فقط دو سه محل با بیست نفر «آسیب دیده» نمایش داده میشود.

۲- طبق سنت، مسلمان باید در اولین روز مرگ بخاک سپرده شود. بنا بر این، میبایست در ۲۲ اوت تشییع جنازه بزرگی، حداقل برای چند صد کشته در اطراف دمشق برگزار میگردد. پس، گزارشات از این تشییع جنازه ها کو؟

۳- در منطقه آسیب دیده، با اینکه شورشیان تصرف کرده اند، میبایست تعدادی پزشک حضور داشته باشند. آنها اولین کسانی هستند که بکمک آسیب دیدگان میشتابند و سبب جراحات را مشخص میکنند. بنا بر این آنها نیز لزوما در مقابل دوربینهای تلویزیون یا حداقل تلفن همراه قرار میگرفتند. پس، بیانات و اظهار نظرات این متخصصان کجاست؟

۴- تکنولوژی ارتباطی معاصر امکان اطلاع دادن فوری خبر مرگ مقتول به قوم و خویشان او در سایر شهرهای سوریه و جهان را فراهم ساخته است. این کار میتواندست خبرهای اینترنتی در باره ابعاد فاجعه را تکمیل نماید. کو این اطلاعات؟

۵- چرا انجمن های مذهبی سوریه مجالس سوگواری برای کشته شدگان برگزار نمیکنند؟
بیانیه های شخصیت های روحانی بمناسب فاجعه کجاست؟

۶- اظهارات و توضیحات مستدل مخالفان در باره انگیزه حمله نیروهای دولتی مو؟ آنها این مسئله را که هدف «حمله» باندهای مسلح نبودند، چگونه توضیح میدهند؟

۷- مقامات غربی از دولت سوریه می‌خواهند اجازه دهد بازرسان سازمان ملل از محل کشتار مردم بازدید نمایند، انگار نمی‌فهمند، که چنین تقاضا را باید در مقابل شورشیان مطرح سازند، چرا که، منطقه آسیب دیده تحت کنترل شورشیان قرار دارد.

۸- متخصصان و کارشناسان با تجزیه و تحلیل تصاویر و فیلمهای محل وقوع «فاجعه»، فقدان علائم مشخصه مسمومیت در «قربانیان» را و همچنین، این واقعیت را که درست همان «قربانیان» در مکانهای مختلف ظاهر میشوند، تأیید میکنند. یکی از دختران «مسموم شده» را آنها در سه مکان و سه وضعیت مختلف مشاهده کردند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد بدلائل فوق الذکر، در رابطه با این داستان بیانیه بسیار محتاطانه ای صادر کرد. در آن از جمله گفته میشود: «حادثه باید مورد بررسی قرار گیرد». در غرب اما به تشدید اوضاع دامن میزنند. لورن فابیوس، وزیر خارجه فرانسه، چنان عصبانی شد، که خواهان «حمله نظامی» به سوریه شد. لازم به یادآوریست، که هنگام تهاجم به لیبی، فرانسه نقش اول را بازی کرد. آیا احتمال دارد، که در مورد سوریه نیز مثل مورد لیبی، بحث بر سر مستعمرات سابق فرانسه باشد؟

زمان زیادی لازم نیست بگذرد تا روشن شود، که هیچ منظره ای از «کاربرد گسترده تسلیحات شیمیایی» وجود نداشته، بلکه، یک جنگ تبلیغاتی دیگر با هدف تشدید هر چه بیشتر هیستری ضد سوری در جریان بوده است. بخصوص اینکه طرح سرنگونی رژیم بشار اسد با شکست مواجه شده و پولهای صرف شده قطری، عربستانی، ترکیه ای، اروپائی و آمریکائی برای آن، میتواند باد هوا شود و بدنبال این، فقط ایران بهرمنند از پیروزی سوریه، قادر به تقویت مواضع خود خواهد بود.

پذیرش چنین چشم انداز برای آن کسانی که مناقشه را به سوریه تحمیل کردند، قابل تحمل نیست. آنها برای تغییر اوضاع به هر وسیله ای چنگ خواهند زد. اغفالگریهای تازه تر در جنگ تبلیغاتی هنوز در پیش است.

اما پایان شب سیه، سفید است. مشاهده و مطالعه آنچه که بر سر لیبی آمد، باعث شد تا مسکو و پکن «یورش» اعضای غربی شورای امنیت سازمان ملل متحد را که سعی میکردند برای صدور قطعنامه علیه سوریه هر چه بیشتر از تحریکات استفاده کنند، متوقف سازند. این عقلانیت است- باید منتظر بود و دید، که «زائادات خشک» باقیمانده از «بمب تبلیغاتی» چه خواهد بود. با احتمال قوی، عاقبت آن بسیار رقت انگیز خواهد بود.

نتیجه گیری اخلاقی

حجب و حیا، شرم و خجالت یک خصیصه عالی انسانی است. هر کسی که تنها ذره هائی از شرف، وجدان و عقلانیت در نهادش باقی مانده باشد، در حین ارتکاب یک امر خلاف، بخاطر یک کردار و یا گفتار نادرست یا ناروا، طبیعتاً عرق شرم بر پیشانی اش مینشیند، صورتش از خجالت سرخ میشود...

مقامات رسمی دول امپریالیستی، این سخنگویان و مجریان فرامین دولت مخفی صهیونیستی، از همان ابتدای زایش تا همین ساعت، که من و شما زنده و شاهدیم میلیونها بار بر علیه تمامی کشورها و خلقهای جهان، بر علیه مقامات دولتی و کنشگران سیاسی آنها توطئه کرده، دسیسه چینی نموده، به جعل و تقلب دست زده، دروغهای بیشمارانه گفته اند و بر اساس آنها، آتش جنگهای خانمانسوز را بر افروخته، صدها میلیون انسان را قتلعام کرده اند. اگر تلفات دو جنگ جهانی را، بمباران اتمی دو شهر ناکازاکی و هیروشیما را، قتلعام میلیونی خلقهای ویتنام، کره، کامبوج، چین، اتحاد شوروی، آمریکای لاتین، آفریقا، استرالیا، یا در همین دو دهه اخیر، یوگسلاوی، افغانستان، عراق، سومالی، لیبی، سوریه امروز و بطور کلی همه و همه را بخاطر آوریم، چنان منظره رقت انگیزی در افق دیدمان ظاهر میشود، زبان از توصیف و قلم از بیان آن عاجز خواهد بود. با این وجود، نه تنها هیچگاه شاهد عرق شرم در پیشانی کارگزاران استعمار و صهیونیسم جهانی نبوده ایم، بلکه برعکس، آنها با سماجت و لجاجت بیشمارانه به اعمال و گفتار ضدانسانی خود ادامه میدهند.

وانگهی و گذشته از نتیجه گیری اخلاقی فوق، مگر نه این است، که حاصل هر عمل یا اقدامی، بیرحم ترین داور آن است! بپذیریم که این فعال مایشاهای امپریالیسم جهانی آخرین ذرات شرف و وجدان خود را مصرف کرده اند و شرم و حیا برای تربیت یافتگان مکتب دولت مخفی جهانی در واقع بی معنی است. خوب! حداقل نتیجه دسایس و توطئه ها، جنگها و تجاوزاتشان در ویتنام، ژاپن، کره، عراق، افغانستان، سومالی، لیبی، سوریه و ... که تا روز امروزی قربانی میگردد، صلح و امنیت جهانی را بطور کلی در جایجای جهان از بین برده، تاراج و سرقت مسلحانه ثروتهای کشورهای جهان را بعنوان امر عادی تعریف نموده و فقر، فساد، بی حقوقی را همگانی کرده اند...

امروز در نقطه اوج رسوائی جاسوسی آمریکا علیه همه دولتها و مردم جهان، ناتوی رسانه ای باز هم به انتشار دروغهای بیشمارانه و ادعاهای غیر قابل اثبات مأموران دولت مخفی جهانی دایر بر استفاده نیروهای دولت سوریه از تسلیحات شیمیائی علیه مردم خویش مشغول است... آیا هنوز هم باید به تماشای صحنه های فجایع جهانی با نقش آفرینی مشاطه ها و خدمتکاران

امپریالیسم جهانی و صهیونیسم بین الملل ادامه داد یا چاره اساسی برای رام کردن این زنجیر
بریدگان باید اندیشید؟ طبیعتاً، راه دوم بسیار عقلانی بنظر میرسد.